

26 words per day

Day 15

Word	Meaning
A sleep	خوابیده، خفته
B itter	تلخ، تند، جگرسوز، تیز، طعنه‌آمیز
C apital	پایتخت، سرمایه، حرف بزرگ
D isturb	برهم زدن، آشفتن، مختل کردن
E xplain	توضیح دادن، شرح دادن، فهماندن
F inger	انگشت، انگشت زدن
G ift	هدیه، کادو، موهبت، هدیه دادن
H eavy	سنگین، گران، زیاد، سخت
I nfection	عفونت، سرایت، مرض
J unior	تازه‌تر، اصغر، دانشجوی سال سوم
K indly	مهربان، خوش خلق، دلیذر
L ip	لب، لبه، لب زدن
M aster	استاد، ارباب، صاحب
N ose	بینی، دماغه، نوک برآمده هر چیز
O rgan	ارگان، اندام، عضو
P arent	پدر یا مادر، والدین
Q uietly	آهسته، بی‌صدا، ملایم
R ank	رتبه، مقام، پایه، رتبه‌بندی کردن
S alad	سالاد
T hank	تشکر، سپاس، تشکر کردن
U nfriendly	غیردوستانه، نامساعد
V ital	حیاتی، اساسی، وابسته به زندگی
W ealth	توانگری، دارایی، ثروت
X	
Y	
Z	